

اهمیت و تأثیر نماز در کاهش میزان فساد اداری

حمیدرضا جاویدان داروگر^۱

چکیده

نظام اداری هر جامعه، بازوی اجرایی نظام سیاسی آن جامعه محسوب می‌گردد؛ از دیرباز و با پیدایش جوامع بشری، فساد اداری به عنوان مخرب‌ترین و عمومی‌ترین نوع فساد، شناسایی و برای برطرف نمودن این پدیده اجتماعی نامبارک، اندیشمندان و متفکران بسیاری انرژی و توان خود را مصروف داشته‌اند. از طرفی با علم به اینکه مهمترین عامل توسعه هر جامعه، افراد آن جامعه می‌باشند چرا که انسان هم هدف و هم ابزار توسعه است لذا این اهمیت موجب گردیده ارائه راهکارهایی که جنبه بازدارندگی داشته و موجب جلوگیری از فساد، در سطوح مختلف نظام اداری می‌گردد، مدنظر مسئولین نظام سیاسی باشد. در این مقاله برآنیم تا با بهره‌گیری از مهمترین منابع دین اسلام، یعنی قرآن کریم و سیره معصومین(ع)، ابعاد مختلف این مسئله را مورد واکاوی قرار داده و تأثیر نماز را در کاهش اثرات فساد اداری به روش تحلیل اسنادی به شیوه توصیفی - تحلیلی بررسی نمائیم.

واژگان کلیدی: فساد اداری، گونه‌های فساد اداری، ضرورت خودسازی، عبادت، نماز.

^۱ دانشجوی کارشناسی مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

مقدمه

فساد اداری به مفهوم علمی آن در سال ۱۹۶۰ ظهور پیدا کرده (Ertimi & Saeh, 2013: 1-8)، ولی می‌توان گفت در واقع فساد اداری همزاد حکومت است. یعنی از زمانی که فعالیت‌های بشر به صورت منسجم شکل گرفت و انسان وارد کار گروهی و تشکیل سازمان‌های گوناگون گردید، افرادی ضمن سوء استفاده از شرایط حاکم بر زمان خود پدیده شوم فساد را در دستگاه حکومت‌ها، دولت‌ها، سازمان‌ها و ... بسط و گسترش دادند. سابقه تاریخی توجه به فساد اداری در نهادهای بین‌المللی بویژه نهادهای پولی و اقتصادی به سال ۱۹۶۶ بر می‌گردد (یزدانی و ربیع، ۱۳۸۹: ۳). متأسفانه در کشور ایران، پژوهش‌ها و مطالعات معدودی درباره فساد اداری به عمل آمده است؛ از این میان سهم پژوهش‌های اسلامی نیز بسیار محدودتر و حتی انگشت شمار است. بررسی چنین مسئله‌ای از دیدگاه اسلام به این دلیل اهمیت دارد که حکومت و فرهنگ جامعه ما به طور کلی از احکام و آموزه‌های دینی سرچشمه می‌گیرد. آنچه از احادیث و روایات بر می‌آید مویذ این مطلب است که با انجام فرائض دینی از جمله نماز می‌توان ایمان به خدا و روز آخرت را در میان افراد جامعه تقویت کرد و از ایجاد فساد در درون سازمان‌ها و جامعه، جلوگیری نمود.

مبانی نظری

الف) ماهیت فساد اداری

به نظر می‌رسد مناسب‌ترین مدخل به منظور ورود به مبحث فساد اداری، تجسم شمای کلی فساد باشد. واژه فساد در زبان انگلیسی معادل corruption از ریشه فعل لاتین rumpere به معنای شکستن است؛ بنابراین در

«چون اهل دیاری را بخواهیم هلاک کنیم، پیشوایان و متنعمان آن دیار را امر کنیم راه فسق و تباهکاری و ظلم در آن دیار پیش گیرند، و در آن زمان عذاب لازم می‌شود، پس آنگاه همه را هلاک می‌سازیم» (قرآن کریم، سوره اسراء: آیه ۱۶).

فساد اداری که از جمله مخرب‌ترین پدیده اجتماعی است در تمامی ادوار گریبانگیر دستگاه‌ها و سازمان‌ها بوده و به عنوان یکی از عمومی‌ترین گونه‌های فساد، مرزهای زمان و مکان را در نور دیده است. فلذا این ویژگی نه به زمان خاصی تعلق دارد و نه به جامعه خاصی مربوط می‌گردد. این پدیده، پیامدهای منفی بسیاری به همراه دارد، از جمله اینکه می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر گذارد (Mauro, 1995: 681-712)، و همچنین باعث می‌شود تلاش بسیاری از دانشمندان و متفکران سیاسی و اقتصادی صرف از بین بردن این پدیده زیان‌آور گردد. فساد چون غده‌ای سرطانی در کالبد جامعه است که تا درمان ریشه‌ای نگردد با رشد سریع خود در مدت زمانی اندک می‌تواند تمام جامعه را دربر گرفته و مقدمات فروپاشی و اضمحلال و به تعبیر قرآن کریم، عذاب الهی و هلاکت آن را فراهم آورد. از طرفی فساد اداری در امکان سرمایه‌گذاری‌های خارجی تأثیرات منفی خواهد داشت (Zhao & Others, 2003: 41-62)، که در اینصورت بروز رکود اقتصادی در جامعه محتمل گردیده و نارضایتی ناشی از آن، سطح سرمایه‌های انسانی را نیز کاهش داده که این موضوع نهایتاً منجر به عدم اعتماد مردم نسبت به نهادهای دولتی و خصوصی خواهد شد (Husted, 2002: 403). گرچه



مردم به (موجب) آنچه خدا به تو آموخته است، داوری کنی و زنها را جانبدار خیانتکاران مباش.

«يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص/۲۶): ای داوود ما تو را در زمین خلیفه (و جانشین) گردانیدیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن. در آیه‌های بعدی سوره «ص» به تمجید از این مسئولیت خطیر حضرت داوود (ع) پرداخته و حکومت بر اساس حق، مصداق عمل صالح و عکس آن، مصداق فساد دانسته شده است: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ» (ص/۲۸): (مگر) کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند چون مفسدان در زمین قرار می‌دهیم؟

در روایات اسلامی نیز به جایگاه عدل در اداره جامعه این چنین اشاره شده است: «إِنَّ الْأَعْدَلَ مِيزَانُ اللَّهِ سَبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَ نَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ فَلَا تُخَالَفُهُ فِي مِيزَانِهِ وَلَا تُعَارِضُهُ فِي سُلْطَانِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۲۴): همانا عدالت میزان خداوند سبحان است که در میان خلق قرار داده و برای برپایی و قوام حق نصب فرموده است؛ بنابراین درباره میزان خداوند با او مخالفت، و با سلطنت او معارضه نکنید. در مجموع می‌توان گفت که حکومت در اسلام معادل قوام و اصلاح کار مسلمین در جهت مصالح دنیوی و اخروی آنها بر مبنای عدالت است در حالیکه فساد با توجه به معنای لغوی و کاربرد قرآنی آن، درست در نقطه مقابل این امر قرار دارد. بر همین اساس، فساد اداری به هر نوع عملی اطلاق می‌شود که از جانب هرکسی و به هر صورتی و هر انگیزه‌ای انجام گیرد؛ به گونه‌ای که در اهداف و عملکرد نهادهای دولتی اخلال ایجاد، و یا آن را از مسیر صحیح خویش منحرف کند.

فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود؛ این چیز ممکن است رفتار اخلاقی یا شیوه قانونی یا غالباً مقررات اداری باشد (صفری و نائی، ۱۳۸۰). فساد در لغت عرب به معنای گرفتن مالی به ستم و همچنین به معنای خروج شیئی از اعتدال است چه این خروج کم باشد و چه زیاد (ندیم مرعشلی، ۱۳۹۲: ۳۹۲).

بنا به تعریف لغوی، فساد با ظلم مترادف است (اکبرنژاد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۲-۱۶۸)؛ زیرا ظلم نیز به معنای خروج و تجاوز از حق (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۳۴)، و قرار دادن شیء در غیر مکان آن است. از اینرو می‌توان گفت که اصلاح و عدل، هر دو در مقابل فساد قرار می‌گیرند. در فرهنگ اسلامی، نهاد اداره جامعه، حکومت خوانده می‌شود. حکومت از ریشه حکم است. حکم در لغت به معنای کار محکم و استوار (مهیار، بی‌تا)، و منع و بازداشتن برای اصلاح (راغب اصفهانی، پیشین: ۱۳۹)، و حکومت به معنای جلوگیری فرد از ظلم و ستم است. بنابراین، اساس نظام اداری جامعه اسلامی بر مبنای عدل و اصلاح است که هر دو در تضاد ماهوی با فساد قرار دارد. آیات قرآن کریم نیز بر اساسی بودن عنصر عدالت در حکومت الهی تأکید می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵): براستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم عدالت را برپا دارند. در آیات دیگر نیز آمده است: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (نساء/۱۰۵): ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم تا میان

۶- افزایش شهرنشینی؛

۷- تأمل و تساهل نسبت به فساد.

ج) گونه‌های فساد اداری

پژوهشگران، فساد اداری را در قالب انواع و گونه‌های مختلفی، شناسایی و تقسیم‌بندی کرده‌اند. در آیات قرآن و روایات اسلامی نیز به انواعی از فساد اشاره شده است که معادل آن را در سامانه اداری جامعه می‌توان مشاهده کرد. مفاسدی از قبیل دریافت رشوه، خیانت در امانت، تقلب و غش در معامله، احتکار، رابطه‌گرایی، کم‌فروشی، رباخواری، اتلاف سرمایه‌های خدادادی، عدم پرداخت سهم بیت‌المال از اموال شخصی، تکاثر، کنز، اسراف و ... در ذیل به دو گونه از رایج‌ترین و شناخته‌شده‌ترین مفاسد اداری با استفاده از قرآن و احادیث اشاره می‌شود:

۱- ارتشاء

رشوه از ماده «رشو»، چیزی را گویند که برای کارسازی ناحق به کسی بدهند و در اصطلاح، به مال یا وجهی گفته می‌شود که از طرف کارکنان و مأمورین دولتی به سبب انجام وظیفه گرفته می‌شود. با توجه به معنای اصطلاحی رشوه، مفاهیم رشاء و ارتشاء به ترتیب عبارتند از: رشوه دادن و رشوه گرفتن (لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۳۱).

این جرم از همان آغاز ایجاد خود هدف اصلی افرادی بوده است که کارگزاران حکومت و دولت محسوب می‌شده‌اند. ویل دورانت ضمن توصیف اوضاع اجتماعی عصر الیزابت (۱۶۰۳ - ۱۵۵۸ م) از وضع نابسامان قانون و عدالت در آن دوران سخن گفته و اظهار می‌دارد که دادگاه‌ها به اتفاق و عموماً فاسد بودند. حتی فرانسویس بیکن نیز برای تحصیل جاه و مال به کرات، در مقام دادستانی، حق و عدالت را به

در علوم جدید نیز تعریفی که نسبت به سایر تعاریف ترجیح داده می‌شود تعریفی است که از سوی ساموئل هانتینگتون ارائه شده است که در اینجا با اندکی اصلاح و بهبود آورده می‌شود. وی معتقد است: «فساد اداری به مجموعه رفتارهای آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌شود که در جهت منافع غیرسازمانی، ضوابط و عرف پذیرفته شده را نادیده می‌گیرند» (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۹۱-۹۰). عبارت دیگر فساد ابزاری نامشروع برای برآوردن تقاضاهای نامشروع از نظام اداری است (کلیتگارد، ۱۳۷۵: ۳۵).

ب) علل ظهور فساد اداری

رخ دادن فساد اداری، در هر شکل و زمینه که باشد مستلزم وجود دو وضعیت اساسی است که عبارتند از تمایل و فرصت: تمایل به ارتکاب تخلف و فرصت یا محیا بودن شرایط محیطی مربوط، چنانچه تمایل و فرصت یکجا فراهم شود، فساد متولد خواهد شد و در صورت مهیا بودن سایر شرایط رشد خواهد کرد (Jones, 1993). در بررسی‌های صورت گرفته و تحقیقاتی که در زمینه فساد اداری انجام شده، مهمترین دلایل پیدایش فساد اداری بدین شرح عنوان شده است:

۱- اختلاف فاحش میان سطح زندگی کارمندان دولت و سایر شهروندان؛

۲- روابط خویشاوندی (خویشاوندی سالاری)؛

۳- وسعت دامنه دخالت‌های دولت در تصدی امور؛

۴- افراط در وضع قوانین و محدود کردن فعالیت‌های بخش خصوصی از طریق این قوانین؛

۵- عدم حساسیت جامعه به معیارهای اخلاقی؛



نفع شاه زیر پا نهاد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۷: ۳۵۶). ۲- رابطه‌گرایی

بدترین دوران فساد رشوه‌خواری در ایران به دوران قاجاریه باز می‌گردد و به جرأت می‌توان گفت در آن دوران تمام کارگزاران حکومت رشوه‌خوار بوده‌اند (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۷۳: ۱۸۷). برعکس، بر اساس مدارک و شواهد تاریخی، در ایران باستان جرم رشوه‌خواری به سخت‌ترین مجازات ممکن عقوبت داده می‌شده است. داریوش پادشاه هخامنشی، ساندوس قاضی را به جرم رشوه‌خواری به دار مجازات آویخت (ساک، ۱۳۹۰: ۴). نگاهی به تاریخ عصر جاهلیت در عربستان بیانگر آن است که فساد مالی در آن عصر به شکلی کاملاً آشکار و رایج وجود داشته است. پرداختن رشوه یک رفتار کاملاً عادی در آن زمان^۱ تلقی می‌شده است. ثروتمندان با پرداخت رشوه به راحتی از هرگونه مجازات، خراج و یا هرگونه هزینه حکومتی یا قبیله‌ای معاف می‌شدند. در چنین زمانی فردی پا به جهان گذاشت که رشوه را زشت و حرام اعلام نمود و به این ترتیب یکی از ابزارهای برقراری عدالت و مساوات را ایجاد استوار نمود. از نظر حقوقی، جرم ارتشاء از جرائم عمومی غیرقابل گذشت می‌باشد و البته گیرنده وجه یا مال باید با علم و اطلاع و سوء نیت اقدام به گرفتن وجه یا مال کند و به جرم بودن عمل خود آگاهی داشته باشد. همچنین قبول رشوه باید برای انجام یا ترک فعل در خصوص کاری باشد که مربوط به سازمان دولتی، قضائی و یا نهادها است (نورزاد، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

خویشاوندگرایی یا گرایش به خاندان و قوم خود در زبان عربی با واژه‌های عصبیت و تعصب بیان می‌شود (مهییار، پیشین). رابطه‌گرایی در علم مدیریت به این معناست که دوستان و خویشاوندان مدیر در خارج از سازمان، ممکن است دوستی و خویشاوندی را با سازمان مدنظر قرار دهند و انتظار داشته باشند که امتیازات ویژه‌ای به آنها تعلق گیرد (خدمتی و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۳۴). گاهی از این امتیازات ویژه به رانت‌خواری تعبیر می‌شود؛ یعنی هر نوع استفاده مادی و معنوی که از ارتباطات ویژه و جایگاه و موقعیت مدیر توسط اطرافیان صورت بگیرد و به دلیل آن چیزی که دیگران امکان دسترسی به آن را ندارند به آسانی بتوانند به خود اختصاص دهند (امیری، ۱۳۸۷: ۶۷). در قرآن کریم برای دوستی، گرایش‌ها و روابط انسانی معیار تعیین شده است؛ معیار بر مبنای ایمان و تقوا، نه تعصب‌ها و منفعت‌طلبی افراد.

«ای اهل ایمان، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بگیرید اگر آنها کفر را بر ایمان برگزینند و هر کس از شما آنان را دوست گیرد، چنین کسانی بی‌شک ستمکارند» (توبه/۲۳). ضمن تأمل در آیات و روایات چنین به نظر می‌رسد که خداوند متعال خویشاوندی و نسبت داشتن با پیامبر خدا را دلیل کافی برای امامت و جانشینی ایشان ندانسته و آشکارا از اینگونه رابطه‌گرایی نهی می‌کند. این نوع طرد و دفع قوم‌مداری در ارتباط با دیگر پیامبران

^۱ البته در آن زمان حکومت به معنای فعلی و حتی آن زمان خود عربستان نظیر امپراطوری روم و یا پادشاهی حبشه وجود نداشته است. تجار و ثروتمندان شبه جزیره با پرداخت رشوه از هزینه‌های حکومتی کشورهای همسایه خود را خلاصی می‌بخشیدند.

که فرهنگ و فساد اداری از رابطه متقابل و دوسویه‌ای برخوردار است؛ به عبارت دیگر، همانطور که فرهنگ در ایجاد فساد اداری نقش اساسی دارد، تقاضای رفتار غیرقانونی همچون پرداخت رشوه از سوی کارکنان اداری نیز موجب آلوده شدن افراد جامعه و تضعیف و تخریب اخلاق و فرهنگ آن خواهد شد. ویژه‌خواری یکی دیگر از این مفاسد است که پیامدهای اخلاقی بدی در اجتماع دارد.

۴-۱- زمینه‌سازی سلطه بیگانگان

در موقعیتی که به دلیل فساد اداری، نظام سیاسی و شاکله اقتصادی جامعه تضعیف، و انحراف اخلاقی در عرصه اجتماعی ریشه دوانده است، احتمال طمع‌ورزی و سوءاستفاده بیگانگان و دشمنان در جهت سلطه بر ملت، دور از ذهن نخواهد بود؛ به عنوان نمونه، واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که دولت انگلستان با استفاده از حربه فساد اداری، توانست حکومت عظیم عثمانی و برخی دیگر از کشورهای اسلامی را ناکارآمد کند و به زانو درآورد (Helne, 1972: 243). سلطه‌ای که آثار استعماری آن، تاکنون نیز پیامدهای جبران‌ناپذیری برای کشورهای منطقه به دنبال داشته است؛ این در حالی است که قرآن کریم از فراهم‌سازی زمینه تسلط دشمنان بر مومنان نهی می‌کند و می‌فرماید: «وَلَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء/۱۴۱): و خداوند هیچگاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد کرد.

۲- پیامدهای فردی

۱-۲- کیفر قضایی

از جمله مهمترین بازدارنده‌ها و کنترل‌کننده‌های رفتارهای غیرقانونی شهروندان، برخوردهای مناسب و به موقع

الهی همچون حضرت نوح (ع) و پسر وی، حضرت لوط (ع) و همسر او و ... به وضوح دیده می‌شود.

(د) پیامدهای فساد اداری

پیامدهای فساد اداری با توجه به گستره آسیب‌رسانی آن می‌تواند در دو دسته جمعی و فردی جای گیرد. در ذیل ابتدا چهار مورد از پیامدهای عمومی و سپس دو مورد از پیامدهای فردی فساد، بیان خواهد شد:

۱- پیامدهای عمومی

۱-۱- تضعیف نظام سیاسی

فساد اداری با سلب اعتماد اقشار مردم، مشروعیت سیاسی حکومت‌ها را به مخاطره می‌اندازد؛ زیرا نظام اداری هر کشور، ابزار اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت به شمار می‌رود و بروز فساد گسترده در آن، علاوه بر جلوگیری از تحقق اهداف موردنظر، نگرش مردم را نسبت به حکومت منفی می‌کند و در نهایت می‌تواند به بی‌اعتباری آن در میان عموم منجر شود.

۲-۱- تخریب سامانه اقتصادی

عدالت اقتصادی در اسلام به معنای برابری در دسترسی به امکانات و زیرساخت‌های اقتصادی و نیز عدالت توزیعی متناسب با نوع و میزان فعالیت اقتصادی و در نهایت رسیدگی به اقشار آسیب‌پذیر و پر نمودن شکاف‌های طبقاتی است. با توجه به جایگاه ویژه دولت در سامانه اقتصادی، فساد اداری، می‌تواند در روند هر یک از انواع این عدالت، اختلال و مانع ایجاد کند.

۳-۱- انحراف اخلاق جمعی

پژوهشگران اغلب، فرهنگ عمومی جامعه را مهمترین عامل بروز فساد می‌دانند (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۲۶۴). به نظر می‌رسد



دستگاه قضایی جامعه است. هر فردی که در سامانه اداری، تصمیم به عمل خلاف قانون بگیرد، می‌باید منتظر پیامد آن نیز باشد. برخی از این رفتارها در قالب تخلف اداری جای می‌گیرد که در همان سامانه اداری، تذکرات، جبران خسارات و تنبیهات متناسب در نظر گرفته خواهد شد. برخی دیگر از رفتار خلاف نیز به مراکز قضایی ارجاع داده می‌شود و در آنجا مورد بررسی و پیگیری قرار می‌گیرد. پیدایش سوء سابقه، پرداخت غرامت مالی، طردشدگی اجتماعی، حبس و حتی مجازات مرگ از جمله پیامدهای سنگین دادرسی قضایی است که می‌تواند دامنگیر مفسد اداری شود.

۲-۲- عقوبت اخروی

در جامعه و دولت اسلامی، فساد اداری به منزله گذار از اخلاق، تعدی از حدود شرعی، ضایع نمودن حق‌الناس و جلوگیری از تحقق حکومت عدل الهی است که خداوند متعال پیامبران خود را یکی پس از دیگری به منظور استقرار آن، مبعوث نموده است. بنابراین، می‌توان انتظار داشت که به دلیل حساسیت و دو ابعاد بودن این مسئله، پیامدهای اخروی آن نیز بسی گسترده و سنگین باشد.

ه) عوامل بازدارنده فساد اداری

۱- عوامل روانی و رفتاری

برخی عوامل بازدارنده، مربوط به حوزه رفتار در نظام اداری می‌باشند که مسئولین سیاسی و مذهبی جامعه در دو زمینه زیر آنان را طبقه‌بندی کرده و مردم را به توجه بیش از پیش به آن فرا خوانده‌اند.

- تقویت ایمان و باورهای دینی؛

- حق محوری.

۲- عوامل سازمانی و مدیریتی

در بعد سازمانی و مدیریتی نیز مسئولین سیاسی و مذهبی جامعه ضمن اذعان به بعد زمینه‌سازی‌های رفتاری، به بیان راهکارهایی برای اصلاح و همچنین جلوگیری از فساد در نظام اداری می‌پردازند، که برخی از آنها عبارتند از:

- گزینش کارگزاران صالح و توانا؛

- برکناری کارگزاران فاسد؛

- قاطعیت توأم با مدارا؛

- انضباط اداری و ایجاد تشکیلاتی برای نظارت عملکرد کارگزاران.

۳- عوامل فرهنگی و اجتماعی

مسئولین سیاسی و مذهبی جامعه کنار ساختارهایی که برای جلوگیری از فساد طرح‌ریزی می‌نمایند، از عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز غافل نبوده، برای ایجاد زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مبارزه با فساد در نظام اداری، راهکارهایی به شرح زیر ارائه داده‌اند:

- تغییر نگرش کارگزاران نسبت به مسئولیت و وجدان

کاری؛

- کنترل و نظارت اجتماعی.

۴- عوامل سیاسی

از دیگر عوامل بسیار مهمی که می‌تواند نسبت به ایجاد فساد در نظام اداری بازدارنده باشد، عامل سیاسی است که مسئولین سیاسی و مذهبی جامعه نیز بر آن تأکید داشته و سازوکارهایی را هم برای بهره‌گیری از این عامل طراحی و ارائه نموده‌اند:

- قانونگرایی و عدم تبعیض در برخورد با فساد؛

- شفافیت‌گرایی.

۵- عوامل اقتصادی

علاوه بر ابعادی که ممکن است زمینه‌ساز فساد در نظام اداری باشند، عامل اقتصادی می‌تواند یکی از مهمترین این عوامل به شمار آید، تا از طریق اصلاح ضعف‌های اقتصادی، زمینه نفوذ و سودجویی افراد فاسد گرفته شود. در ادامه به تعدادی از این راهکارها اشاره می‌گردد:

- اصلاح نظام اداری و مالیاتی؛

- تأمین نیازهای اقتصادی کارگزاران صالح؛

- پرهیز از دادن امتیازات ویژه (رانت)؛

- ممنوعیت هدیه و رشوه؛

- مبارزه با انحصارگرایی و انحصارطلبی‌ها.

در آیات فراوانی نیز به بازدارنده‌های درونی فساد، اشاره شده است؛ از جمله آیات مربوط به صبر و بردباری در برابر کمبودها (بقره/ ۱۵۵)، تواضع و فروتنی به جای تفاخر و استکبار (شعرا / ۲۱۵)، قناعت و اقتصاد و پرهیز از دنیاگرایی به جای تکاثر و اسراف (طه / ۱۳۱؛ حدید/ ۲۰)، الزام به توحید و معاد و لوازم آن در رویارویی با لاقیدی و تجاوز از حدود الهی (مطففین/ ۱۱ و نساء / ۱۴) و بجای آوردن فریضه نماز (انعام/ ۱۶۲) که بهترین عامل بازدارنده درونی و نجات بخش انسان معرفی شده است.

ز) نماز، مهمترین عامل خودسازی

مظهر آتم پرستش، «نماز» است. نماز جزء اصول دین نیست (موسوی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۷)، ولی با این حال، از آن دسته فروعی است که در شریعت آدم، ابراهیم، موسی و عیسی به گونه‌ای وجود داشته است. نماز نوبر احکام الهی و اسلامی است که روح آدمی را جلا و صفا می‌بخشد، به طوریکه ضمن مطالعه تاریخ صدر اسلام در می‌یابیم، حضرت علی(ع) حتی در حساس‌ترین لحظه‌های میدان جنگ، نماز را اول وقت می‌خوانده و حاضر نبوده لحظه‌ای آن را به تأخیر اندازد. همچنین عظمت نماز امام حسین(ع) در ظهر عاشورا، آن زمانی که آماج حمله‌های دشمن بودند، خود گواه روشنی بر ادعاهای مذکور است که تمام آنها سراسر صدق و حقیقت هستند و معنای این سخن آنجا روشن می‌شود که حضرت علی(ع) در محراب عبادت ندای ملکوتی حق تعالی را با «فُزْتُ و رَبِّ الْكَعْبَةِ» لبیک گفت و فرزندش حضرت امام حسین(ع) به سبب آن و جهت قوام

و) ضرورت خودسازی

اصولاً اخلاق در افراد وظیفه کنترل درونی را ایفا می‌کند که از آن به خود کنترلی یا تعهد درونی نیز تعبیر می‌شود. از اینرو تقویت پروای الهی، ضامن اجرای اخلاق و کنترل درونی نیرومندی در این زمینه به شمار می‌رود. امام حسن مجتبی(ع) شیوه صحیح دستیابی به نیازهای انسانی را، که گاهی افراد را به سوی رفتار خلاف قانون و شرع می‌کشاند در توجه به مبدأ و مقصد حقیقی این نیازها یعنی خداوند متعال، و در سایه تقوا و دوری از هرگونه فساد و ارتکاب گناهی می‌دانند و می‌فرمایند: «و إِذَا أَرَدتْ عِزًّا بَلَا عَشِيرَةَ وَهَيْبَةً بَلَا سُلْطَانٍ فَأَخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۸۵)، اگر می‌خواهی بدون داشتن عشیره و طایفه، عزت و احترام داشته باشی و بدون برخوردارگی از سلطنت و مقام، هیبت و شکوه داشته باشی از ذلت معصیت خدا خارج شو و به سوی عزت الهی حرکت کن.



به آن تصلیه می‌گفتند، با توجه به این معنا، گویی نمازگزار وقتی به نماز می‌ایستد و توجه به مبدأ اعلا پیدا می‌کند، به واسطه حرارتی که در اثر حرکت صعودی و نزدیک شدن به کانون حقیقت معنوی در نفسش حاصل می‌شود، قدرت پیدا می‌کند، کج رفتاری‌های نفس را که بر اثر توجه به غیر خدا و میل به باطل پیدا شده، راست و تعدیل کند (فهری، بی‌تا: ۲۲). در تمام ادیان، نماز عبادتی است که وجود داشته و این نشان‌دهنده رکن بودن نماز در دین است که وسیله‌ای برای تداوم ارتباط با خالق هستی و غرق نشدن در مشکلات مادی و منجلاب‌های گناه و فساد است.

۲- انگیزه‌های نماز خواندن در افراد

قرن ۲۱ از سوی برخی از پژوهشگران و اندیشمندان، عصر دانایی و جامعه اطلاعاتی و از سوی برخی دیگر، عصر بازگشت به معنویت نام گرفته است (معین، ۱۳۸۰). بشر در تاریخ شناخته شده خود، در هیچ مقطعی آسوده از دغدغه‌های دینی و پرستش نبوده است (همان). نماز به عنوان هسته دین (Brown, 1994; Buttrick, 1942) مهمترین شکل عملی دینداری (Trier & Shupe, 1991: 351-358)، یکی از قدیمی‌ترین اعمال شفابخش (Krucoff & Others, 2006: 762-764) و شیوه مقابله‌ای هیجان‌مدار (Koeing & Others, 1998: 303-310)، یا مسئله‌مدار (Folkman & Others, 1986: 992-1003)، و یک شیوه مقابله‌ای برتر (Vasconcelos, 2009) قلمداد می‌شود که در تأمین و تقویت بهداشت روانی و جسمانی افراد مانند کاستن از اضطراب و افسردگی (Wolf, 2000: 35-84)، نقش بسزایی ایفا می‌کند. علاوه بر این، آثار تربیتی نماز نیز قابل

بخشیدن به این معجون شفابخش، شربت شهادت نوشید و تسلیم ستمگران نشد.

۱- مفهوم کلی نماز

واژه فارسی نماز از واژه پهلوی «نماک» گرفته شده است و آن هم به نوبه خود از ریشه باستانی *نم* به معنای خم شدن و کرنش است که اندک اندک بر مفهوم عبادت ویژه مسلمانان منطبق شده است (خزائلی، ۱۳۸۵: ۳۳۸). براساس برخی اسناد تاریخی گروهی از ایرانیان تازه مسلمان در سال‌های حکومت اعراب بر ایران، به جای واژه صلوه از کلمه نماک استفاده می‌کرده‌اند و هنگام فراخواندن مردم به سوی نماز به جای الصلوه واژه النماک و به جای حی علی الصلاه عبارت بشتابید به سوی نماک را بکار می‌برده‌اند. صلاه به معنی نماز در لغت به معنای آتش افروختن، دعا، تبریک و تمجید است (راغب اصفهانی، پیشین: ۱۹۰-۱۹۱). و در اصطلاح، عبادت مخصوص مسلمانان است که دارای اجزاء، اعمال، شرایط و احکام و فلسفه خاصی است. گروهی از دانشمندان گفته‌اند اصل صلاه از- صلاء- است و معنای صلی الرجل؛ یعنی او با این عبادت از نفس و جان خویش «صلاء» را که همان آتش افروخته خدایی است دور و برطرف کرد (همان). همچنین از میان عبادات اسلامی، نماز در زیادتی احکام نیز نمونه است؛ به گونه‌ای که ۴۰۰۰ حکم برای آن بیان شده و کلمه صلاه و مشتقات آن- به معنای نماز- حدود ۱۰۴ بار در قرآن مجید آمده و در ۱۵ مورد به آن امر شده است (موسوی و دیگران، پیشین). بعضی از بزرگان نیز صلاه را از (تصلیه) مشتق دانسته‌اند، به این معنا که عرب هنگامی که می‌خواست چوب کج را راست کند، آن را به آتش نزدیک کرده، در معرض حرارت قرار می‌داد و



می‌کند، از او یاری می‌جوید صراط مستقیم از او می‌طلبید، و از راه کسانی که غضب بر آنها شده و گمراهان به خدا پناه می‌برد (مضمون سوره حمد). بدون شک در قلب و روح چنین انسانی جنبشی به سوی حق و حرکتی به سوی پاکی و جهشی به سوی تقوا پیدا می‌شود. برای خدا رکوع می‌کند و در پیشگاه او پیشانی بر خاک می‌نهد، غرق در عظمت او می‌شود و خودخواهی‌ها و خود برتری‌های او را فراموش می‌کند. شهادت به یگانگی او می‌دهد گواهی به رسالت پیامبر (ص) می‌دهد. بر پیامبرش درود می‌فرستد و دست به درگاه خدای برمی‌دارد که در زمره بندگان صالح او قرار گیرد (تشهد و سلام). همه این امور موجی از معنویت در وجود او ایجاد می‌کند، موجی که سد نیرومندی در برابر گناه محسوب می‌شود. این عمل چند بار در شبانه روز تکرار می‌گردد و باعث می‌شود که تقوای الهی در ضمیر فرد نهادینه گردد. سوالی پیش می‌آید که اگر قرآن می‌فرماید نماز از فحشاء و منکرات نهی می‌کند، چرا بسیاری از نمازگزاران را می‌بینیم که از ارتکاب گناهان بزرگ پروایی ندارند؛ چرا نماز آنان بازدارنده از فحشاء و منکرات نیست؟ آنچه از سیاق آیه بر می‌آید؛ این است که اگر دستور داده‌اند که مردم نماز بخوانند، برای این است که نماز آنان را از فسق و فجور باز می‌دارد، و این تعلیل می‌فهماند که نماز عملی است عبودی که به جا آوردنش صفتی در روح آدمی پدید می‌آورد که آن صفت - به اصطلاح معروف - پلیسی است غیبی، و صاحبش را از فحشاء و منکرات باز می‌دارد، و در نتیجه جان و دلش را از گناهان و آلودگی‌هایی که از اعمال زشت پیدا می‌شود، پاک می‌نماید. پس معلوم می‌شود مقصود از نماز رسیدن به آن صفت است؛ یعنی

توجه است؛ آثاری همچون: نقش بازدارندگی از فحشاء و منکر (عنکبوت/۴۵)، پاکسازی انسان از کبر (مجلسی، بی‌تا: ۲۳۳) و مواردی از این دست که در روایات و احادیث اسلامی مکرر مورد تأیید قرار گرفته و باعث می‌گردد افراد فراخور نیاز خود به سوی نماز روی آورند.

۳- نماز عاملی بازدارنده و سدی محکم در برابر انجام گناه
قرآن کریم درباره یکی از آثار و برکات نماز می‌فرماید؛ نماز به پا دارید که نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد: «أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت/۴۵)؛ آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان، و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است، و خدا می‌داند چه می‌کنید.

قرآن بعد از بیان دستور به خواندن کتاب وحی که درحقیقت جنبه آموزش دارد، به دستور دوم می‌پردازد که شاخه اصلی پرورش است، می‌گوید: «و نماز را برپا دارید» (و اقم الصلوه). سپس به فلسفه بزرگ نماز پرداخته می‌گوید: «زیرا نماز انسان را از زشتی‌ها و منکرات باز می‌دارد»؛ (ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنکر). طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل باز دارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است.

انسانی که به نماز می‌ایستد، تکبیر می‌گوید، خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می‌شمرد، به یاد نعمت‌های او می‌افتد، حمد و سپاس او می‌گوید، او را به رحمانیت و رحیمیت می‌ستاید، به یاد روز جزای او می‌افتد، اعتراف به بندگی او



آن وقت اگر حال چنین شخصی را با حال کسی مقایسه کنی که نماز می‌خواند، و در نمازش به حداقل آن، یعنی آن مقداری که تکلیف از گردنش ساقط شود اکتفاء می‌کند، خواهی دید که او از بسیاری از کارها که بی‌نماز از آن پروا نداشت پروا دارد و اگر حال این نمازگزار را با حال کسی مقایسه کنی که در نمازش اهتمام بیشتری دارد، خواهی دید که دومی از گناهان بیشتری پروا دارد و به همین قیاس هرچه نماز کامل‌تر باشد، خودداری از فحشاء و منکرات بیشتر خواهد بود (طباطبایی، بی‌تا: ۱۳۳-۱۳۷).

خلاصه اینکه هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت و حضور قلب برخوردار است، نهی از فحشاء و منکر می‌کند، گاه نهی کلی و جامع و گاه نهی جزئی و محدود. ممکن نیست. کسی نماز بخواند و هیچگونه اثری در او نبخشد هر چند نمازش صوری باشد، هر چند آلوده گناه باشد، البته اینگونه نماز تأثیرش کم است. اینگونه افراد اگر همان نماز را نمی‌خواندند شاید از این هم آلوده‌تر بودند. به هر حال نهی از فحشاء و منکر سلسله مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط، دارای بعضی از این درجات است.

نتیجه‌گیری

برقراری قسط و عدالت اجتماعی همواره از سوی نظام‌های سیاسی مورد توجه بوده و در این میان اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین پذیرفته شده؛ به عنوان یکی از پیشروترین نظام سیاسی موجود در دنیا که البته کامل‌ترین آنها نیز می‌باشد حکومت را موظف نموده تا با حداکثر توان خود در مسیر مبارزه با فساد، علی‌الخصوص فساد اداری گام

صفت بازداری از گناه پیدایش این صفت اثر طبیعی نماز است، اما به نحو اقتضاء، نه به نحو علیت. به عبارت دیگر، بازداری از گناه اثر طبیعی نماز است؛ چون نماز توجه خاصی است از بنده به سوی خدای سبحان، اما این اثر تنها به مقدار اقتضاء است، نه علیت تامه، تا تخلف نپذیرد و نمازگزار دیگر نتواند گناه کند. نه اینگونه نیست، بلکه اثرش به مقدار اقتضاء است؛ یعنی اگر مانع و یا مزاحمی در بین نباشد نماز اثر خود را می‌بخشد، و نمازگزار را از فحشاء باز می‌دارد، ولی اگر مانعی و یا مزاحمی جلو اثر آن را گرفت، دیگر اثر نمی‌کند، در نتیجه نمازگزار آن کاری که انتظارش را از او ندارند می‌کند. البته باید توجه داشت که نماز دارای مراتب است؛ بنابراین اثری که به صورت اقتضاء بر آن مترتب می‌شود نیز دارای مراتب است؛ یعنی نماز و جلوگیری از گناه، مانند دو کفه ترازو هستند، هر وقت نمازگزار در نماز خود بیشتر به یاد خدا بود، نمازگزار کمتر گناه می‌کند، و هر جا یاد خدا در نماز ضعیف شود، و نمازگزار از حقیقت یاد خدا منصرف گردد، دچار گناه می‌شود. اگر کسی خواست این معنا را لمس کند، باید حال بعضی از افراد که نام مسلمان دارند، و در عین حال نماز نمی‌خوانند را در نظر بگیرد، که اگر رفتار آنها را زیر نظر قرار دهد، می‌بیند که به دلیل نخواندن نماز، روزه را هم می‌خورد و حج هم نمی‌رود و زکات هم نمی‌دهد و بالاخره سایر واجبات را هم ترک می‌کند و هیچ فرقی بین پاک و نجس و حلال و حرام نمی‌گذارد. و هیچ چیز را در راه خود مانع پیشرفت خود نمی‌بیند، نه ظلم، نه زنا، نه ربا، نه دروغ، و نه هیچ چیز دیگر.

بحث فرهنگ‌سازی از اهم تأکیدات ایشان بوده و نهادینه کردن فریضه نماز در زندگی روزمره به عنوان مهمترین شاخص بازدارنده افراد جامعه از هرگونه فساد و تباهی، باعث کاهش چشمگیر میزان فساد در تمامی زمینه‌ها، علی‌الخصوص اداری گردیده است.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- قرآن کریم
 - ۲- اکبرنژاد، مهدی و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی فساد اداری از دیدگاه قرآن و احادیث»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره یک.
 - ۳- امیری، علی نقی (۱۳۸۷)، مدیریت اسلامی؛ تحلیلی مدیریتی بر فرمان امام علی علیه السلام به مالک اشتر، قم: انتشارات فجر ولایت.
 - ۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، غرر الاحکام و درر الکلم، تحقیق: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتب اسلامیه.
 - ۵- جعفری لنگرودی، محمد (۱۳۷۸)، ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، ج ۳، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
 - ۶- خدمتی، ابوطالب و دیگران (۱۳۸۲)، مدیریت علوی، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
 - ۷- خزائی، محمد (۱۳۵۸)، نمازشناسی: با استفاده از احکام قرآن، تهران: انتشارات جاویدان.
 - ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: عدنان صفوان، دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
 - ۹- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۷)، توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 - ۱۰- رفیعی مهرآبادی، محمد (۱۳۷۳)، تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض قاجاریه، تهران: نشر عطایی.
- بردارد، زیرا حکومت تحت لوای اسلام، با توجه به الگوهای مناسبی که دارد می‌تواند به عنوان بستر تعالی معنوی افراد جامعه نیز نقشی اساسی ایفاء نماید. فساد اداری به دلیل ماهیت ویران کننده‌ای که دارد، ضمن اخلال در روند و عملکرد بایسته نظام اداری جامعه اسلامی می‌تواند آن را از اهداف مورد نظر دور و به بیراهه‌های زوال و انحطاط سوق دهد. زوال و انحطاطی که از جمله پیامدها و آسیب‌های فساد اداری قلمداد شده و قطعاً دامنگیر مرتکبان فساد و افراد جامعه نیز خواهد شد.
- در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) نسبت به این موضوع تأکیدات فراوانی صورت پذیرفته و هشدار داده شده که خسران دنیوی و عقوبت اخروی سزای مفسدین در دنیا و آخرت خواهد بود و می‌بایست حاکمان صدیق حکومت‌های اسلامی با ایجاد سازوکارهای مناسب ضمن آگاهی از این موضوع، نسبت به اعمال کیفر قضایی مفسدین اقدامات مقتضی را مبذول داشته و از هیچ تلاشی در این خصوص دریغ ننمایند. زیرا مفسدین با ارتکاب به این اعمال منفور موجبات تضعیف نظام سیاسی، تخریب سامانه اقتصادی و ترویج انحرافات اخلاقی را مهیا و فرهنگ جامعه را دگرگون می‌سازند که این موارد نهایتاً حکومت اسلامی را در معرض فروپاشی و نفوذ و سلطه بیگانگان قرار خواهد داد.
- با دقت در منابع اسلامی و بویژه سیره پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) در دوران حکومت ایشان، می‌توان به الگوی جامع و همه جانبه‌نگری در برخورد با فساد اداری دست یافت که همه زمینه‌های مسئله از سازوکارهای اداری گرفته تا بسترهای فرهنگی-اجتماعی، سیاست‌های اقتصادی و سامانه قضایی را در برمی‌گیرد. البته همواره



- ۱۱- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *حقوق کیفری اقتصادی*، تهران: نشر جنگل.
- ۱۲- صفری، سعید و نائبی، حمید رضا (۱۳۸۰)، «رویکردهای مختلف در مبارزه با فساد»، *مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور*، تهران: انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- ۱۳- طباطبایی، سید محمد حسین (بی تا)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۱۴- فهری، احمد (بی تا)، *پرواز در ملکوت*، (شرح و تفسیر آداب الصلوه امام خمینی).
- ۱۵- کلیتگارد، رابرت (۱۳۷۵)، «چه می توان کرد»، *پیام یونسکو*، شماره ۳۱۳.
- ۱۶- محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل*، جلد یازدهم، قم: مؤسسه آل البیت لإحياء التراث.
- ۱۷- مرعشلی، ندیم (۱۳۹۲)، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، طبع علمی مطبعه التقدم العربی.
- ۱۸- معین، مصطفی (۱۳۸۰)، «عصر دانایی و بازگشت به معنویت»، *فصلنامه نیایش*، شماره ۸-۷.
- ۱۹- موسوی، علی و دیگران، (۱۳۸۶)، «نماز در قرآن»، *فرهنگ جهاد*، شماره ۴۷.
- ۲۰- مهیار، رضا (بی تا)، «فرهنگ ابجدی عربی - فارسی»، *نرم افزار جامع التفاسیر نور*.
- ۲۱- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۷)، *جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران: نشر میزان.
- ۲۲- نورزاد، عیوض (۱۳۸۶)، *رشوه در حقوق کیفری اسلام و ایران*، تهران: نشر آریان، چاپ اول.
- ۲۳- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، *سامان سیاسی در جوامع دست - خوش دگرگونی*، مترجم: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علم.
- ۲۴- یزدانی، اکرم و ربیع، لیلا (۱۳۸۹)، «فساد اداری» *دانشجویان دانشگاه پیام نور ورامین*، www.masaeljabri.blogfa.com.
- ۲۵- مجلسی، محمد تقی (بی تا)، *بحارالانوار*، تهران: نشر اسلامی، جلد ۲۹.
- لاتین:
- 1- Buttrick, G.A. (1942). *Prayer. New York: Abingdon-Cokesbury.*
- 2- Brown, L.B. (1994). *The Human Side of Prayer: The Psychology of Praying. Birmingham Al: Religious Education Press.*
- 3- Folkman, S. & et al. (1986). Dynamics of a Stressful Encounter: Cognitive Appraisal, Coping, and Encounter Outcomes. *Journal of Personality and Social Psychology*.50: 992-1003.
- 4- Helne, Hans (1972). *Der neue Nahe Osten. Frankfurt/M.: Suhrkamp.*
- 5- Husted, B. (2002). Culture and international anti-corruption agreements in Latin America. *Journal of Business Ethics*. Vol. 37. 403-12.
- 6- Koeing, H.G. & L.K. Goerge, I.C. Siegler (1998). The Use of Religion and other Emotion Regulating Coping Strategies among Olderadults. *The Gerontologist*. 28: 303-310.
- 7- Krucoff, M.W.; S.W. Crater & K.L. Lee (2006). From Efficacy to Safety Concerns: A Step Forward or a Step Back Forclinical Research and Intercessory Prayer? The Study of Therapeutic Effects of Intercessory Prayer (Step). *American Heart Journal*. 151(4): 762-764.
- 8- Mauro, P. (1995). Corruption and growth. *Quarterly Journal of Economics*. Vol. 109. 681- 712.
- 9- Trier, K.K. & A. Shupe (1991). Prayer. Religiosity and Healing in the Heartland, USA. *A Research Note Review of Religious Research*. 32: 351-358.
- 10- Vasconcelos, A.F. (2009). Intuition, Prayer, and Managerial Decision-Making Processes: a Religion-Based Framework. *Management Decision*, 47(6): 930-949.
- 11- Wolf. D.B. (2000). Effects of the Hare Krsna Maha Mantra on Stress, Depression and the three



Gunas. *Dissertation Abstracts International B: Science and Engineering*. 60: 35-84.

12- Zhao, J.H., Kim, S.H. and Du, J. (2003). The impact of corruption and transparency on foreign. direct investment: an empirical analysis. *Management International Review*. Vol. 43. 41-62.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی